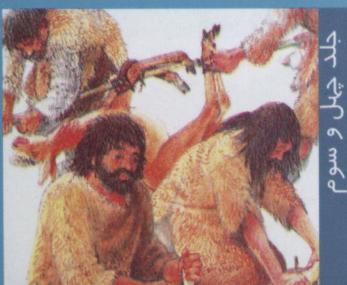


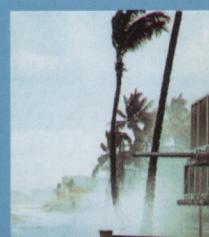
گویا

سال هفتم، شماره ۳۲
پنج شنبه ۱۱ بهمن ۱۳۸۶
تومان ۲۵۰



فرهنگنامه تصویری کودکان

ایرانی کودکان فرهنگنامه تصویری کودکان کتاب در مجله



به نام فداوند بخششده مهربان

چهل و سوم

هفته نامه کودکان ایران

صاحب امتیاز: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام «ره»

- مدیر مسئول: مدیر ارگان
- سردبیران: افسن علّا - سیامک سرمدی
- مدیر هنری: احمد قائمیان
- تصویرگر: محمد حسین صلوانیان
- مدیر داخلی و طراح بازی جلد: نادیا علاء
- عکس: امیر محمد لاجورد
- توزیع و امور مشترک: نیر السادات والانبار
- توزیع و امور مشترک: محمد رضاملا زاده

لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه چاپ و شعر عروج
نشانی: خیابان اقبال اسلامی - چهارراه طباطبایی - پلاک ۹۶۳
تلفن: ۰۲۱۱۷۷۱۲۲۱۱ - ۰۲۱۸۴۷۶۲۳

شرح (۶) بند

مسابقه‌ی سایه‌ها و هدیه‌ها

(مسابقه‌ی روی جلد
ویژه‌ی ماه پیمن)

روی جلد تعدادی بسته‌ی هدیه می‌بینید که از نظر اندازه کاملاً با هم برابرند. اما رویان‌های آن‌ها با مدل‌های مختلف بسته شده‌اند. پشت جلد سلیمانی این هدیه‌ها را می‌بینید. اما اگر خوب دقت کنید، یکی از هدیه‌ها پاشت جلد سلیمانی ندارد و به جای آن هدیه‌ی دیگری آورده شده است. قلم بردارید و این هدیه و سلیمانی متفاوت آن را مشخص کنید.

با ۲ هفتۀ بعد از انتشار این شماره از مجله فرصت دارید تا پاسخ هایتان را برای ما بفرستید. باختنان باشد حتیمرویی پاکت نامه بنویسید: «مربوط به مسابقه‌ی روی جلد تا سلیمه‌ها و هدیه‌ها (ویژه‌ی ماه پیمن)»

فهرست مطالب کتاب در مجله

ممثل Star fish (ستاره دریایی)

M مثل Stars (ستارگان)

S مثل Stone age (عصر سنگ)

S مثل Storm (توفان)

S مثل ...

فرهنگنامه

تصویری کودکان

کتاب در مجله

۲

جلد چهل و سوم



تولدتان مبارک

تولدستان «دوست» برای ما عزیز و کرام است. تولد این عزیزان را در مجله خودشان نمایی می‌کوییم تیریک که در مجله خودشان هدیه‌ای ناجیز از طرف ما به شما می‌رسد. آخر

هر چه از دوست رسید نیلوست». صد سال زنده باشید

جمعه خالدی - پیمان فراهانی - مهناز کاظمی
آرین طلیل عربین - نیلوفر امیدی - ونسه رسمی - سهیر حاتمی صدری - شیوا ظبیعی - حنانه کشاورز - محمد سلیمانی آق قلعه - لیلکوه موسوی - سلناش نوروزی - وانا حسن پور عرب - محمد سجاد نورالیان - وانا حسن پور - امیر حسین شعبانی - فاطمه الزهرا باقری - امیر مرادی - امیر امدادیان - فاطمه میرزا - میلنا نیتا بنتیان صادقی - سهیر رستمیک - امیر حسن نیتا - زهرا امامی مختاری - میلیجا ابرازی - آتنا درودیاری - کاظمی - میسا فلاحتی پیروز - بیرون خوش - منیز طبلی پاسامیر - شیرپور مانی - نیزب مازلاهه شاهروندی - سارا مصطفیانی - محمد احسان بحرپیش - بیلندری - همیشید آقا علیزاده - شاهزده زمانی - رفیه نوروزی - میرمحمدمحمدی - غزل اربابی - مارال واحدی - سهیر حاتمی - روحانی - توکلی خواه - محمد سعید حمان آبادی - محمد حسن جهانی - مهناز نیکوشش - مهشاد چاکر حسینی - امیر حسین کوکره زاد - غزل اربابی - میلکا خوشخت - محمد متین فیاض - بخشش - میلکی علیوزی - میرم میاچی - امیر عرفان درگاه - آتنا سادات میری - سید امیر علی مریزی - اسلام مهدوی - رویا حبیبی - علی میرزا - اسلام مهدوی - رویا حبیبی - علیرضا قاضی - سکسر - میتو شیراوی - فاطمه خانی - علی عمو - غلامی - خامد تبریز - محمد رضا فرهنگ - بیراد - خلقی - امیر منون پور - امون بزرگان - میر حسین صالحی - هیبا قربانی - شهاب - هدرا - کلیر - ماری شاملو - شهاب شکری - سید طاهر عزیل - سعادت - نیام سالاروند - رهانیان - فاطمه فخری - پریان - بیونان - کهانی - کردی - کرمی و روبنیانی - فاطمه کاتو - علیرضا قاضی - سکسر - میتو شیراوی - فاطمه خانی - علی عمو - غلامی - خامد تبریز - محمد رضا فرهنگ - ساره الفردی - سیست اوپلشن - بینو درخ - محمد رضا خدیری - امیر علی قاسمی - علی رفیقی - سید احمد رضا - ایمان همراهی - نازنین قندی - علی اکرمی - نیا - فاطمه خانی - قادوس - محمد بیانی - زبین - سادات کوبدور - کثار سادات عظیمی - بیندیشت شریعت - علیور - سهیده شیرپور - بارید رفیق - هدیه پریجانی - هستنیانی - داده در صفحه ۴۰

اده در صفحه ۴۰



عکس خرسندی / سوم ابتدایی / از سندج

مودادین بعنوان مادر: *بیو شترکین مملو*

آبان: ندا مجید باوی - محمد رضا آذرینیاد
پاییز: مهدی بشیری
بریسم: علی چدر بایدی
پدر عیاض: سید حسین حسینی - یلیان نوکلی -
کسری گردون - رضا چشمکچی هاشمیان
مندی خدا: محمد نژاده - چند چاهد
بهیان: علیرضا خوشبخت
پوشیده: امید فرشاد - فاطمه حیدری - بوسف
دیدرس: امیر شمسیان - محمد عرفی زاده

محمد مطرور - هاشم سلیمانی - الیام عدالتی
علی زاده - فواد عیان - راهد - ماهد موسوی -

پیشوای: جعین طباطبائی
قویون: امیر رضا توووه چلهار - کوتیر ساسکاره - کوتیر

سیامع: امیر رضا خوشبخت
شامه: رضیجیر شاعر - نثار - رنجبر ساعتی -
سیده فائزه خاطمه هشیز - هسته صادقی

کفای: فرشاد طبلی - سید رحیم چادمی
حسین نوروزی - روی نیل - عالم غلامی - محمد مسین

نوذری - امیر حسین دروشی - محمد سین
درویش - محمد مسلمیان - ملوف - ملوف فلاحتی

عیاش: علی موسوی مقدم - میسا داوططلب
سینتا سمندریان - مهدیه سالاری - یاسمن

تمیدی - محمد رضایی - نیزب ملطفی - مهدی طلاق -
معصومه عظیمی - امیر حسین عظیمی - تنبی

دیدرس: امیر مطبری - پاسنی دریوشی - محمد عزیزی -
بنی سعید - نیشنر معلمپور - خان دریس

سعید هدوی - نازنین اماده - امیر حسین
هایل زاده - سیده هاجر مقروف - طلاق بنی

سدید: مصطفی حاج باقر طباطبائی - سادات

برم آرا - الیمه صالح
آستانه: یکا بیزدی - میلانه تویزی

ابروکوه: لیلا سادلات آتشی
من ازکه: امین نظام شاه - حسن محمدی -

منیزدان: حمیده اکبری - اریانه اکبری
اریبلی: طه افسر - اسماء اکبری - مهدیس

سندی: ازمه محمد امین واحدی

اسلام شهپر: سید حمید حمودی
اصفهان: سید بدرام جباری - فرانز آخوندی

افزویز پور ابراهیم - پیام فلاحی - سالار نادری
تکنیک: نصرت نظری - نرگس نظری - محمد حمید

حسین علی: سیده کریمی - رجهانه بختیاری - مهدیس

سیدنی: سید رضا هامبوی - بیرسین علیعینی -
عطفیه: میهن بربان - سیده ابوالفتحی - مهدیس

بیوی: مهدی کرمی - شبابی ملک - شنیده

سیده ازکه: امین علیزاده - امیر حسین
آشیان: شکن شنیز - شهلا نژادی - سیده احمد

سیده ایزه: سیده امیر حسین - سیده احمد
سیده ایزه: سیده امیر حسین - سیده احمد

سیده ایزه: سیده امیر حسین - سیده احمد
سیده ایزه: سیده امیر حسین - سیده احمد

اویزه: طاهره شهپر - میلانه تویزی

اویزه: بروسا خدابنده - محمد سالم بنا
دک: رهاند - بروسا خدابنده - محمد سالم بنا

کاتکین: مهدیه امدادیان - آیندین روزی مکی
شایان فلاحی: شایان صاحبی - مین هنرمند

شایان فلاحی: شایان هامبوی - بیرسین علیعینی -
حن حصص: میر سادات مادر حسینی

عطیه کرمی - سینا اختراف - رضیه مقدس

الهول: طاهره شهپر - میلانه تویزی

اویزه: بروسا خدابنده - محمد سالم بنا

دک: رهاند - بروسا خدابنده - محمد سالم بنا
کاتکین: مهدیه امدادیان - آیندین روزی مکی

شایان فلاحی: سیده امیر حسین شریفی

ایلام: رعنی سلیمانی - امیر حسین شریفی

سبک زندگی دریایی

5 مثل [ستاره دریایی]

بسنتر دریا محل مناسبی برای زندگی گونه هایی از جانداران دریایی مانند ستاره دریایی و توپیای دریایی است. ستاره های دریایی از ۸ سانتی متر تا یک متر اندازه گیری شده اند. آنها یک بخش مرکزی در بدند خود دارند که ۵ بازوی شعاع مانند از آن خارج شده است. در زیر بازوها، بادکش هایی وجود دارد که ستاره دریایی به وسیله آنها به سنگ ها و صخره های زیر آب می چسبید.



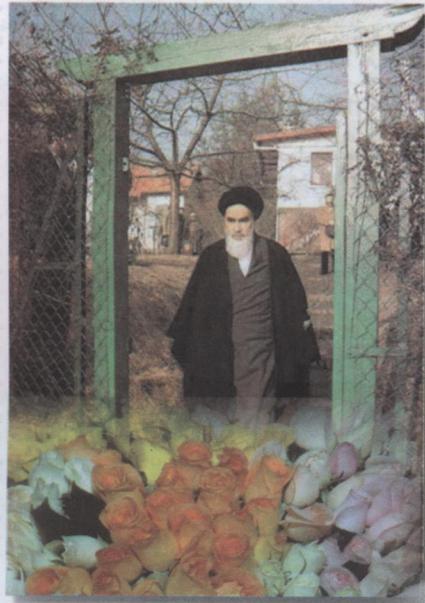


پرواز انقلاب

حضرت امام خمینی (س) پس از پانزده سال تبعید و دوری از وطن در دوازدهم بیمن ماه ۵۷ با پرواز اختصاصی «ایر فرانس» به ایران بازگشتند. شرح گوشه‌ای از این سفر که به «پرواز انقلاب» معروف شده است، خواندنی است.

دیگر بازگشت حضرت امام به ایران حتمی بود. اما دولت بختیار، آخرین نخست وزیر شاه؛ فرودگاهها را بست و عملًا مسافت امام عملی نشد. در همان هنگامی که بحث بازگشت حضرت امام به ایران مطرح شد، مرحوم حاج سید احمد آقا گفتند: «امام تصمیم خودشان را برای رفتن به ایران گرفته‌اند. حالاً می‌خواهند فرودگاهها را ببندند یا باز بگذارند. اگر خطر هم داشته باشد، به هر حال امام تصمیم خودشان را گرفته‌اند. ایشان فرموده‌اند که یک هوایپمای اختصاصی کرایه کنیم و به ایران برویم.»

شرکت‌های بیمه، مبلغ گزافی برای هوایپما می‌خواستند. از طرف دیگر هم خبر رسید که

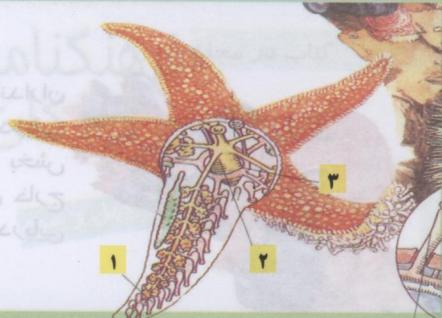


پرس و پاس مطالب کتاب در مجله

۱ - بادکش‌های ستاره دریایی
۲ - کanal های آب

۳ - بخش مرکزی بدن ستاره دریایی

۱



با خیار زیر فشار مردم و به خصوص کارمندان هوایمایی ناچار شده است که فرودگاه را باز کند به هر حال با مشکلات فروان، هوایما کرایه شد. آن مبلغ را هم امام شخصاً پرداخت کرد و بودند. دیگر بحث بر سر نوشتن فهرست اسامی افرادی بود که می خواستند به ایران بروند. همه می خواستند به ایران بروند. اما هوایما گنجایش محدودی داشت. حضرت امام در ابتدا با پرواز خانم ها با آن هوایما به شدت مخالفت کردند و فرمودند:

خطر جدی است و امکان زدن هوایپیما خیلی زیاد است. خانم ها بمانند و یکی - دو روز بعد بیاننده از آن سو، دولت فرانسه هم مایل بود که امام زودتر از فرانسه بروند. زیرا نظم امور فرانسه به نوعی درهم ریخته بود. تمام روزنامه ها، اخبارشان به حضور امام در فرانسه اختصاص داشت. از سوی دیگر،

مقداری ناهمانگی هم بین رئیس جمهور فرانسه و رئیس جمهور آمریکا پیش آمده بود. رئیس جمهور فرانسه مایل بود امام به ایران بروند ولی رئیس جمهور آمریکا در آن زمان، پیغام فرستاده بود که: «حضرت آیت‌الله... در رفتمن به ایران عجله نداشته باشند». امام هم فرموده بودند: «بارک الله! برای ما تعیین تکلیف هم می‌نمایند! مثل

بارک الله ! برای ما تعیین تکلیف هم می نمایند! مثل

سیب زمینی دریائی



- توتپای دریایی -



اینکه ما باید از اینها هم اجازه می‌گرفتیم! کم کم همه برای آمدن به ایران آمده می‌شدند. ثبت نام شروع شد. عده‌ای جزو کسانی بوند که قطعاً به ایران می‌آمدند. سرنوشت هواپیما هم معلوم نبود. اما همراه امام بودن موجب مسابقه ای شده بود. خود حضرت امام همه روچیه شان به گونه‌ای بود که می‌فرمودند:

من راضی نیستم کسی با من بیاید. بگذارید من تنها بروم. شب آخر، تمام مردم محله‌ی «نوفل لوشاتو» که حضرت امام در آنجا اقامت داشتند، باخبر شده بود که امام می‌خواهند بروند. همه‌ی آنها با گل به جلوی منزل امام آمدند بودند. آنان آن قدر گلدان آورده بودند که راه منزل امام بسته شد. عصر آن روز امام بدون برنامه‌ی قبلی وارد خیابان شدند و فرمودند: **من می‌روم توی خیابان که با مردم صحبت گنم.**

اطرافیان گفتند: **آقا! خطر دارد.** فرمودند: **این حرفها نیست.**

به هر حال حضرت امام به خیابان رفتند و خطاب به اهالی نوفل لوشاتو گفتند: **موا بیخشید.** در این مدت شما را اذیت کرده‌ام. طرفداران من در اینجا خیلی رفت و آمد کرده‌اند. شما معذب شده‌اید.

هنگام شب حضرت امام برای صرف شام به داخل منزل تشریف برداشتند. بعد از شام در حیاط اعلام شد که امام دارند

توییای دریایی دارای خارهای بلندی بر روی بدن خود است که از آنها برای دفاع استفاده می‌کند. اطراف خارها، کیسه‌های زهری نیز وجود دارد که هنگام فشار دادن خارها، زهر نیز آزاد می‌شود.



برای خداحافظی می‌آیند. همه‌ی دوستان و اطرافیان
آمدند تا با امام دیدار کنند. حضرت امام چهار زانو
نشستند و فرمودند:

**آقایان! من امشب می‌خواهم بروم. راضی نیستم
کسی با من بیاید. من بیعتم را از آقایان برداشتم.
آقایان اصراری نداشته باشند که حتماً با من بیایند.
اجازه بدهید اول من بروم و اگر کشتنی هست، برای
من باشد و فقط من کشته بشوم و شما جان خود را
برای من به خطر نیندازید. من از شما خواهش می‌
کنم و به شما عرض می‌کنم.**

هنگامی که امام این صحبت‌ها را می‌کردند، همه
اشک می‌ریختند. امام ادامه دادند:

**من از احساسات پاک ملتم تشکر می‌کنم. اما به این
حکومت مزدور اجانب هیچ اعتباری نیست و ممکن
است برخلاف همه‌ی قوانین بین‌المللی، هوایپیمای ما
را بزنند...**

در این هنگام دیگر صدای گریه و ناله‌ی همه درآمد.
اما در وجود حضرت امام آرامش موج می‌زد. سپس
لبخندی بر لبسان جاری شد. این جلسه همه را به یاد
شب عاشورای امام حسین (ع) انداخته بود.



• S مثل [ستارگاران]:

ستاره‌ها از توده‌هایی از گازهای فضایی و بخصوص گاز
هیدروژن به وجود می‌آیند. این توده گازی عظیم «نبولا» نام
دارد. نبولا در زبان لاتین معنای مه و غبار می‌دهد.

عمل درخشش ستاره شکر بی‌عکس پی‌سوی



چادر نماز

مادرم

سیمیندخت و حیدری

چادر نماز مادرم آبی است
 سجاده اش چون برگ گل زیباست
 در جانمازش مهر و تسیح است
 در نقش مهرش گنبدی پیداست



تولد یک ستاره به این صورت روی می دهد که
 توده گازی نبولا به شکل گلبلو های کروی که دارای
 سرعت زیاد و اندازه کوچکی هستند، تغییر حالت
 می دهد. سپس از یک توده نبولا چند صد گروه
 «مینی گلبلو» که هر کدام می توانند یک «ستاره»
 شوند، ایجاد می شود.

۸



۸

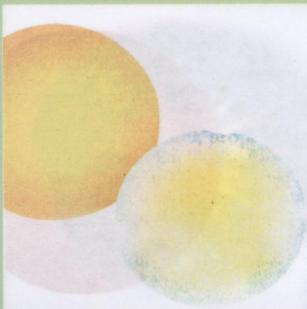
مانند هر روز دگر امروز
 مادر نماز صبح می خواند
 او بندۀ‌ی خوب خداوند است
 تکلیف خود را خوب می دارد



بعد از نماز مادرم هر روز
 این خانه بوی عطر گل دارد
 وقت نمازش نور شادی‌ها
 از آسمان بر خانه می بارد



هنجاری که مرکز ستاره‌ی اولیه که «پیش ستاره» نامیده می شود، تشکیل شد، دمای ستاره به حدود ده میلیون درجه‌ی سانتی گراد می رسد. این دما سبب شروع واکنش‌های هسته‌ای می شود که در اثر آنها، هیدروژن به هلیوم تبدیل می شود. با این عمل، درخشش ستاره شروع می شود.

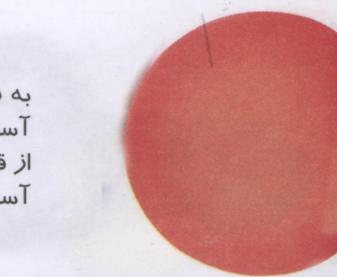
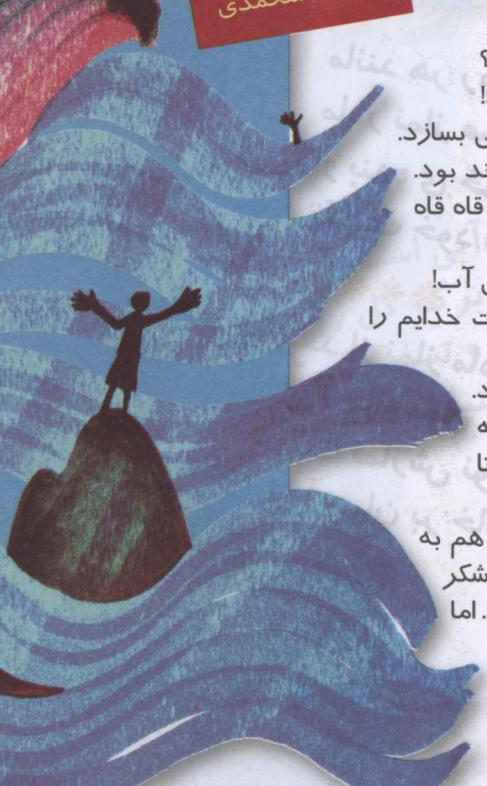




قصه های پیامبران حضرت نوح (ع) – قسمت چهارم

کشتنی غول پیکر

مجید ملامحمدی



- نوح چرا درختان را می برد؟

- او این همه چوب را برای چه کاری می خواهد؟

- شاید می خواهد قصری بزرگ از چوب بسازد!

مردم خبر نداشتند که نوح می خواست کشتی بسازد.
یک کشتی بزرگ و چند طبقه، این دستور خداوند بود.
آن ها وقتی خبر را شنیدند، دلshan را گرفتند و قاه قاه
خنیدند.

- کشتی؟ کشتی؟! ... آن هم در این بیابان های بی آب!

- دوباره نوح دیوانه شده است. اول می گفت خدایم را
پیرستید، حالا هم می خواهد کشتی بسازد!

حرف های طعنه آمیز مردم، تمام شدنی نبود.
نوح به آن ها توجیه نکرد. او از صبح تا شب به
کمک یارانش، کشتی می ساخت. سال ها گذشت تا
این که کشتی بزرگ نوح آمده شد.

بت پرست ها وقتی به دیدن آن آمدند، باز هم به
کار نوح خنیدند. نوح خشمگین نشد. فقط خدارا شکر
گفت و دوباره آن ها را به خدایپرستی دعوت کرد. اما
آن ها باز هم او را مسخره کردند.

نوح دست به کار شد. حالا دستور خدابه او این
بود که از هر موجود زنده یک جفت بر کشتی
سوار شود. مقداری بذر نهال و گیاه به همراه
بیاورد. همه‌ی هشتاد نفر از یاران خدایپرست خود
را به کشتی دعوت کند. بعد هر چه آذوقه و غذا دارد.
در کشتی بگذارد.

ستاره ها هنگامی که به او اخیر عمر خود نزدیک می شوند
به رنگ قرمز در می آیند. در این حالت به آنها ستاره‌ی غول
آسای قرمز می گویند که قطر هر یک از آنها هزار مرتبه بزرگتر
از قطر خورشید است. درجه حرارت مرکز این ستاره های غول
آسای قرمز به ده میلیارد درجه‌ی سانتی گراد! می رسد.



روز موعود فرارسید. کشتنی غول پیکر پر از مسافر شد.
بت پرسنگ ها دور تا دور آن جمع شدند. بعد مسافران را به
هم نشان دادند و خنده دند. ناگهان صدایی بلند، دل آن ها
را لرزاند. آسمان به هم پیچید و همه جاتیره و تار شد.
طوفان از دو طرف زمین به حرکت درآمد. بت پرسنگ ها
با جیغ و داد به خانه هایشان گردیدند.

باران درشت درشت از دل ابرها کنده می شد و
به سر و روی آن هامی ریخت. باد می غرید. رعد
و برق، درخت هارایکی یکی می سوزاند. خیلی زود
زمین زیر آب رفت و کشتنی را به حرکت انداخت.
یکی از پسران نوح فریاد زد: «پدر، برادرمان کنعان

آن جاست، او هنوز سوار کشتنی نشده!»

کنعان همراه چند بت پرسنگ ثروتمند، به بالای کوه بزرگی
می دویدند. نوح از روی عرشه فریاد زد: «پسرم، از
کافران دوری کن و به کشتنی بیا!»

کنunan با غرور جواب داد: «من بالای این کوه
می روم و خودم را نجات می دهم. من به خدای تو
اعتقادی ندارم!»

نوح دوباره فریاد زد: «ای پسر، امروز هیچ کس
زنده نمی ماند، مگر کسی که به خداوند پناه
بیاورد!»

کنunan از کوه بالا می رفت و آب هم به دنبالش
بود. سیل اینبوهی، کوه بزرگ را مثل لقمه ای بلعید.
صدای ناله‌ی کنunan، مسافران کشتنی را سر جایشان
خشکاند. پسران خدا پرسنگ نوح «سام، حام و یافت» با
تعجب به آن جا خیره شده بودند. کشتنی با سرعت
زیاد، به حرکت افتاد.



پایان حیات ستاره‌ها برابر است با ایجاد
سوپرنوا. سوپرنوا به شکل انفجاری بزرگ در
فضای بیکران پایان زندگی ستاره‌ها را در یک ناحیه
از کهکشان اعلام می کند. این اتفاق را ناسامی ساخته
نمی توانند از آن بگیرند. نهان رسماً همچنان

عزاداران بزرگ

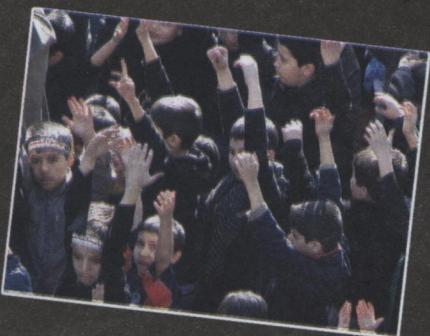


در مجله کتاب در مجله

۱۲



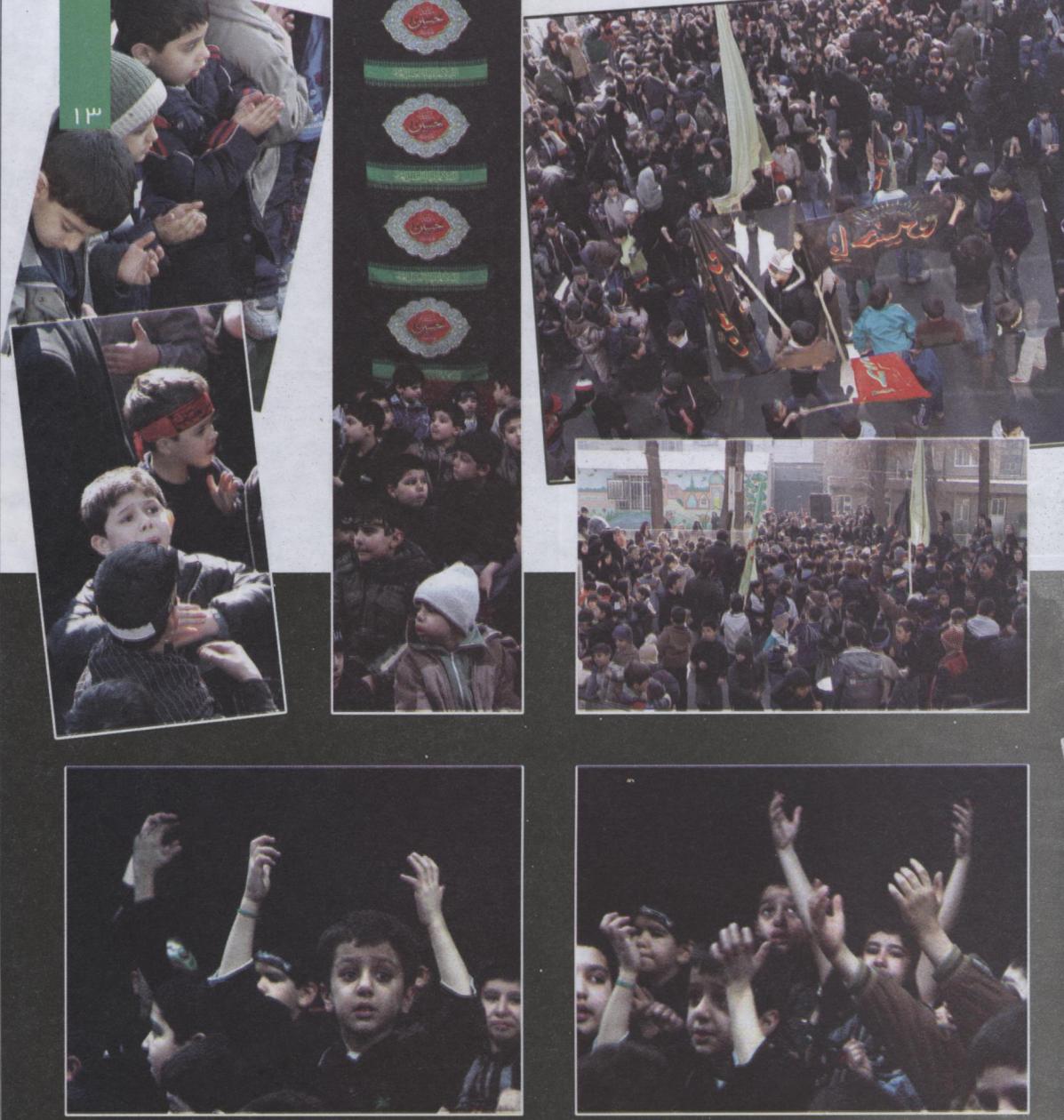
یک روز، در ایام ماه محرم، مدرسه حال و هوای خاصی داشت. با روزهای دیگر مدرسه فرق می‌کرد. ساعت ۹ صبح، ۳۰۰ دانش آموز نوبت صبح و عصر در حیاط دیستان گرد هم آمده بودند و برای حرکت آماده می‌شدند. بعد از خوردن شیر کاکائو و بعد از دقایقی سینه زنی و زنجیرزنی، کاروان بزرگ شان از در مدرسه بیرون رفت. در مسیری از پیش تعیین شده از کوچه‌ها و خیابان‌ها گذشتند تا به یک حسینیه رسیدند. در مسیر مدرسه تا حسینیه، در حسینیه، و در بازگشت تا مدرسه چه خالصانه عزاداری گردند. مستولان مدرسه، پیش از این با کلاتری هماهنگ گرده بودند و پیس همراه دانش آموزان حرکت می‌کرد و مراقب همه چیز بود تا دانش آموزان برای انجام مراسم خود هیچ مشکلی نداشته باشند. ظهر، حیاط مدرسه چون ساعت‌ها پیش، بر از شور و حال بود. مسیر طولانی بود و من خسته شده بودم، آنها هم باید خسته بودند، اما نبودند. بعضی از اولیناء نیز با همکاری هم، برای همه دانش آموزان نهار میبا کرده بودند ...



۱۲

یک سوپرنوا ممکن است در پشت یک پولسار واقع شده باشد. پولسار، توده‌ای با جرم بیشتر از خورشید است که ممکن است فقط ۱۶ کیلومتر طول آن باشد. یک پولسار می‌تواند امواج رادیویی، نور و سایر امواج را از خود ارسال کند.





مجله کتاب در مجله



گوک هنگامی که یک ستاره مُرد، به سیاهچاله‌ی فضایی تبدیل می‌شود. جاذبه کشنشی سیاهچاله‌ها بسیار زیاد است به اندازه‌ای که نور و امواج مختلف نمی‌توانند از آن بگریزند.



یک سو از گذشته های دور، انسان ستاره ها را در آسمان به شکل های گروهی که شده باشد نگاه می کرد در آنها تصاویری را می سنت که دید مانند، شکارچی، خرس بزرگ و یک پوله دیدند. شکارچی خرس بزرگ و سلاح را از خود ارسال کند.





کتاب در مجله • کتاب در مجله



کوچک، خوشی و... این تصاویر از راه وصل
کردن خط های فرضی ستاره ها به یکدیگر
در ذهن انسان شکل می گرفت.



«سچام»

محمد رضا یوسفی

خورشید غروب می کرد که موج هفت میلیون و سیصد و سی و شش هزار و نهصد و پنجاه و هفت هم از دریا آمد. یک موج کوچک و بازیگوش که بچه های ساحل اسم آن را «موجک» گذاشتند. دختر کوچولویی گریه می کرد. موجک رو پای دختر کوچولو خوبید و بچه ها دیدند که او چقدر خسته بود. چند تا ماهی هم با موجک آمدند، اسم آنها «ماهو» و «ماهین» و «ماهار» بود. روی ماسه ها چرخیدند

موج ها خیلی عجله داشتند، مثل یک پستچی که نامه‌ی مهمی در خورجین خود قایم کرده باشد و خانه به خانه به دنبال صاحب آن بگردد. دختر اسمش را به پستچی گفت. موج هشت میلیون و دویست و سی و چهار هزار و نود و دو هم آمد. کمی گل آلود بود. بچه‌ها توی آن شنا کردند. از آن دور دورها آمد. مانند ستاره‌ای که راهش را در آسمان گم کند و در ته دریا با ستاره‌های دریابی دوست شد. دختر که حلوه برای ستاره‌های دریابی، قصه‌ی عروسک گم شده را گفت.

موج‌ها خبرهای مهمی داشتند. اگر یکبار در دریا جنگ می‌شد و آن جنگ انتشار موج نه میلیون و هفتصد و چهل و شش هزار و دویست و بیست و سه آن خبر را آورد. دختر کوچولو یک لبخند زد. بچه‌ها شادی کردند. وسط موج بالا پایین پریدند. دختر کوچولو که همه او را صدایی کردند توی موج

۱ - پولسار یا ستاره‌ی نوترونی، با جرمی به سنتیگنی خورشید و قطری حدود ۱۶ کیلومتر.

۲ - کوتوله سفید، ستاره‌های کوچکی هستند که از خورشید هم کوچکتر هستند.

خواید. چشم هایش را بست و گفت: «حالا من یک کشتی ام و
به دریا می روم.»

او رو سینه‌ی موج مانند یک کشتی کاغذی تاب خورد.
بعد موج شش میلیون و دویست و چهل و چهار هزار و هفتاد
و پنج آمد، چقدر عصبانی بود. دست هایش پر از صد بود
و همه‌ی ماسه‌ها سفید شدند. بچه‌ها تویی صد ها به دنبال
مروارید گشتند. آن موج به دختر کوچولو گفت: «تو چقدر گیج
هستی، آن دورها را نگاه کن!»

دختر کوچولو و بچه‌ها نگاه کردند. موج‌های گنده و
خشمگین پشت سر هم می‌آمدند. موهای بلند دختر کوچولو
در هوا تاب می‌خورد و گفت: «موج پنج میلیون و چهارصد و
نود هزار و پانصد و چهار و دو یک خبر تازه دارد!»

آن موج شبیه صد تا گله اسب سفید بود که یال آنها
مثل موی دختر کوچولو بود. موج‌ها از غروب خورشید
می‌ترسیدند. وقتی خورشید می‌رفت شب می‌آمد و موج‌ها
جای را نمی‌دیدند. برای همین موج چهار میلیون و هشتصد و
پنجاه و شش هزار و دویست و دو زود آمد تا به ساحل برسد. او از شب
می‌ترسید، یک بار مرغی دریایی را دیده بود که در شب گله‌ی مرغها را گم کرد
و کوسه‌ای برای او نقشه کشید. آواز آن مرغ در گوش موج بود و بچه‌ها که سرشان را زیر موج
بردند، آن آواز را شنیدند.

پنج، ده، بیست، دویست، سیصد، هفتصد، هزار، ده هزار، هزار هزار هزار، یک عالم موج از دریا
آمد. بچه‌ها دیگر نمی‌توانستند موج‌ها را حساب کنند. هفت هزار و چهار صد هزار و نود و ده هزار و
پانصد هزار و سی و چهار هزار و ششصد و چهل و نه و پنج و سی و همه‌ی موج‌ها آمدند تا عروسک
را به ساحل آورده‌اند. دختر کوچولو، عروسک را به بغلش گرفت. آن را بوسید. فریاد کشید و گفت:
«موج‌ها عروسکم را آورده‌اند!» او اولش گریه می‌کرد، همان وقت که اولین موج عروسک را دزدید و
به دریا برد.

موج‌ها رفتند که بخوابند و ماهی برای عروسکش از موج سی هزار و چهار و پنج و هفتاد و سی
و شش و نود و هشت حرف می‌زد و هر دو می‌خندیدند. البته یک موج بیدار بود تا قصه‌ی ماهی و
عروسک را برای ماهی‌ها تعریف کند.

۳ - کوتوله زرد، ستاره‌هایی

با اندازه‌ی متواتر هستند
که اندازه‌ای حدود خورشید
دارند.

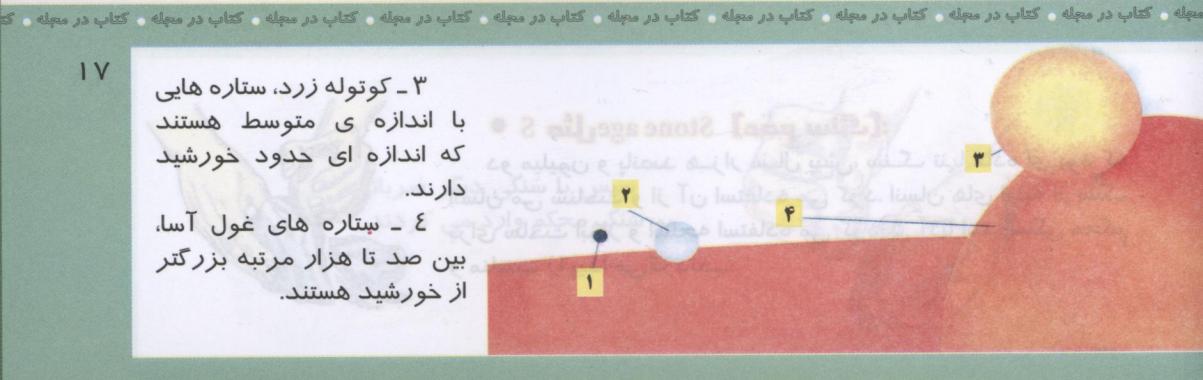
۴ - ستاره‌های غول آسا.
بین صد تا هزار مرتبه بزرگتر
از خورشید هستند.

۱

۲

۳

۴





کاپیتن خلبان مسافربری

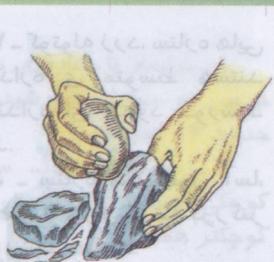
هنگامی که وارد کاپین خلبان یک هواپیمای مسافربری شوید، مشاهده انواع و اقسام کلیدها، دکمه ها، صفحه های نمایشگر، اهرم ها و ... شما را گیج خواهد کرد. اما هر یک از این قطعات در گروه بندی خاصی قرار دارند. تعدادی از آنها، هدایت فیزیکی هواپیما را بر عهده دارند و دسته ای دیگر توسط رایانه اطلاعات مختلف را دریافت و تحلیل می کنند.

این کاپین، متعلق به هواپیمای مسافربری بوئینگ ۷۴۷ است که از بزرگترین هواپیماهای مسافربری جهان است. طول هواپیمای بوئینگ ۷۴۷ ۷۴۷ بیشتر از طول ۱۷ خودروی به هم چسبیده است. این هواپیما ۳۶۴ نفر مسافر را با چندین خدمه ی پروازی در طول هزاران کیلومتر به پرواز درمی آورد و جایه جا می کند.

در مجله • کتاب در مجله •

• مثل S [عصر سنگ]: Stone age

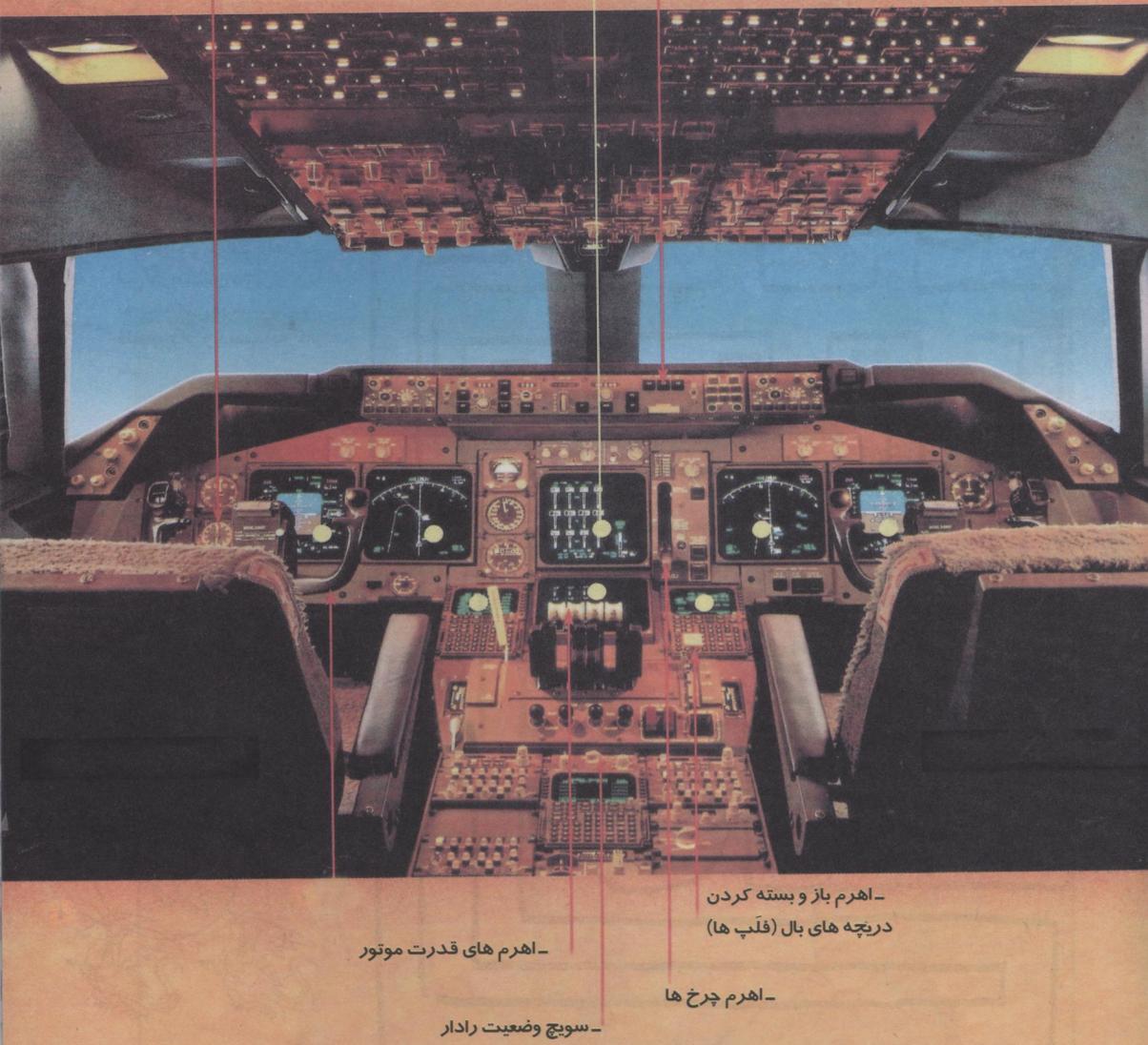
دو میلیون و پانصد هزار سال پیش، سنگ تنها ماده ای بود که انسان می شناخت و از آن استفاده می کرد. انسان های اولیه از سنگ برای ساخت ابزار و اسلحه استفاده می کردند. آنها ابتدا سنگ محکم و مناسب را پیدا می کردند....



- نشانگرهای عالیم رادیویی

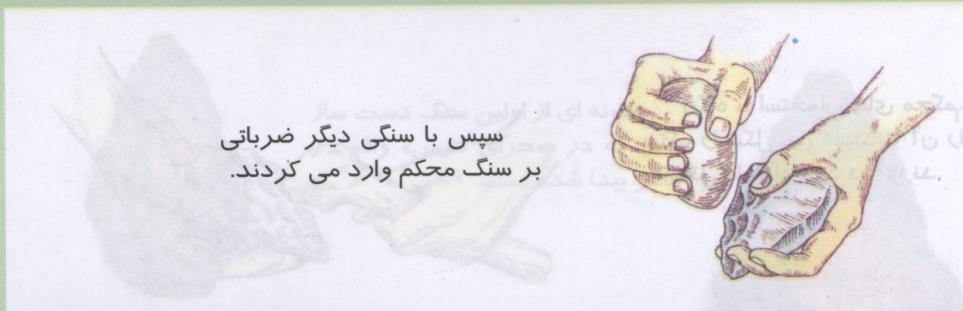
- مونیتور رایانه

- پانل خلبان
اتوماتیک (اتوپایلوت)

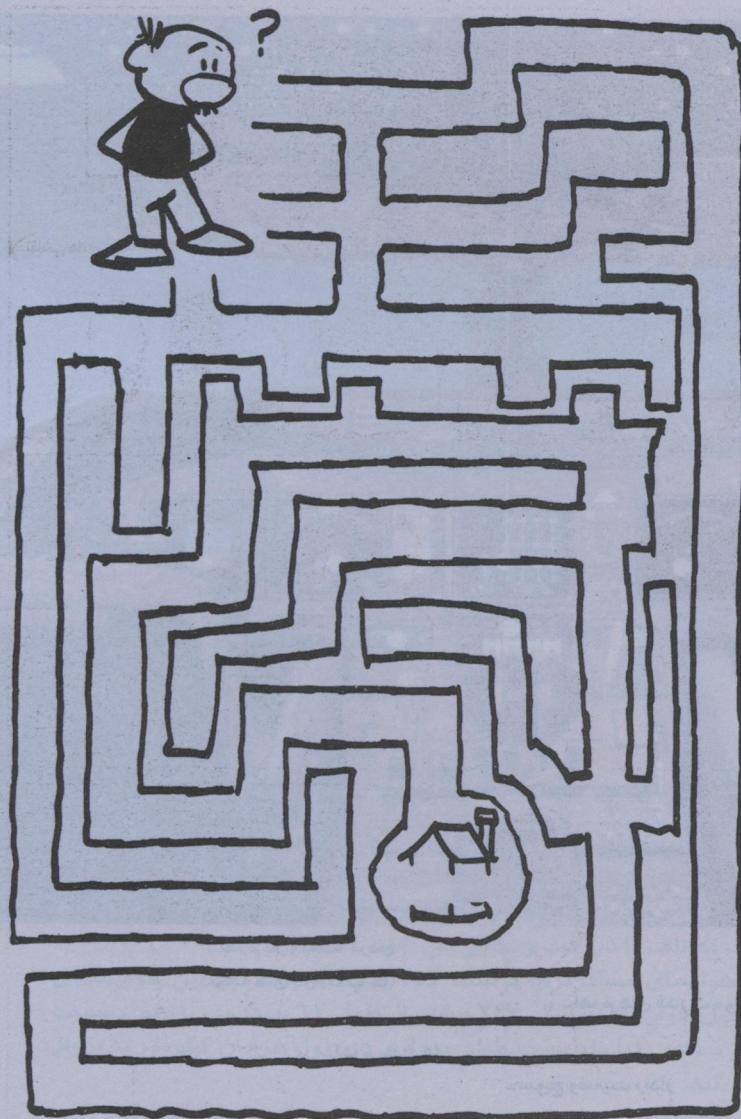


کتاب در مجله کتاب در مجله

سپس با سنگی دیگر ضرباتی
بر سنگ محکم وارد می کردند.



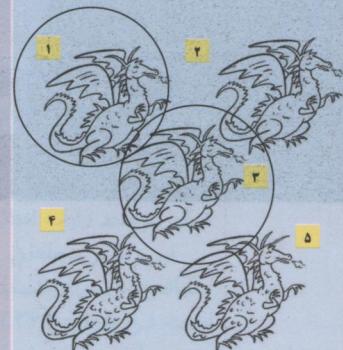
مرد گمشده



آیا می توانی راه را به
این مرد نشان دهی و او را
به خانه اش برسانی؟ پس
قلم بردار و دست به کار
شو.

پاسخ سرگرمی شماره گذشته:

دو اژدهای شبیه

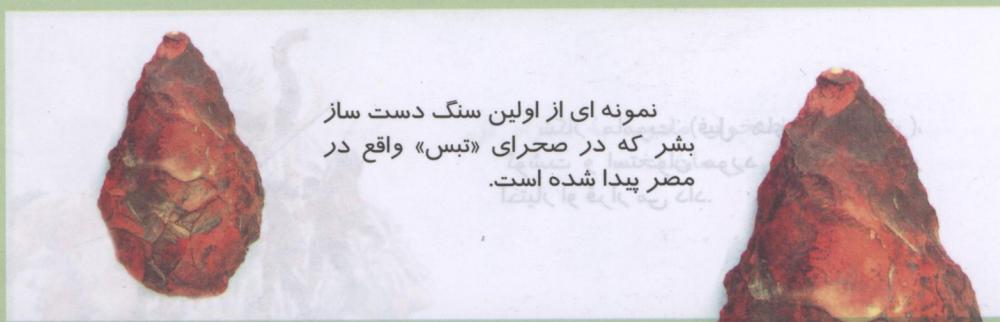


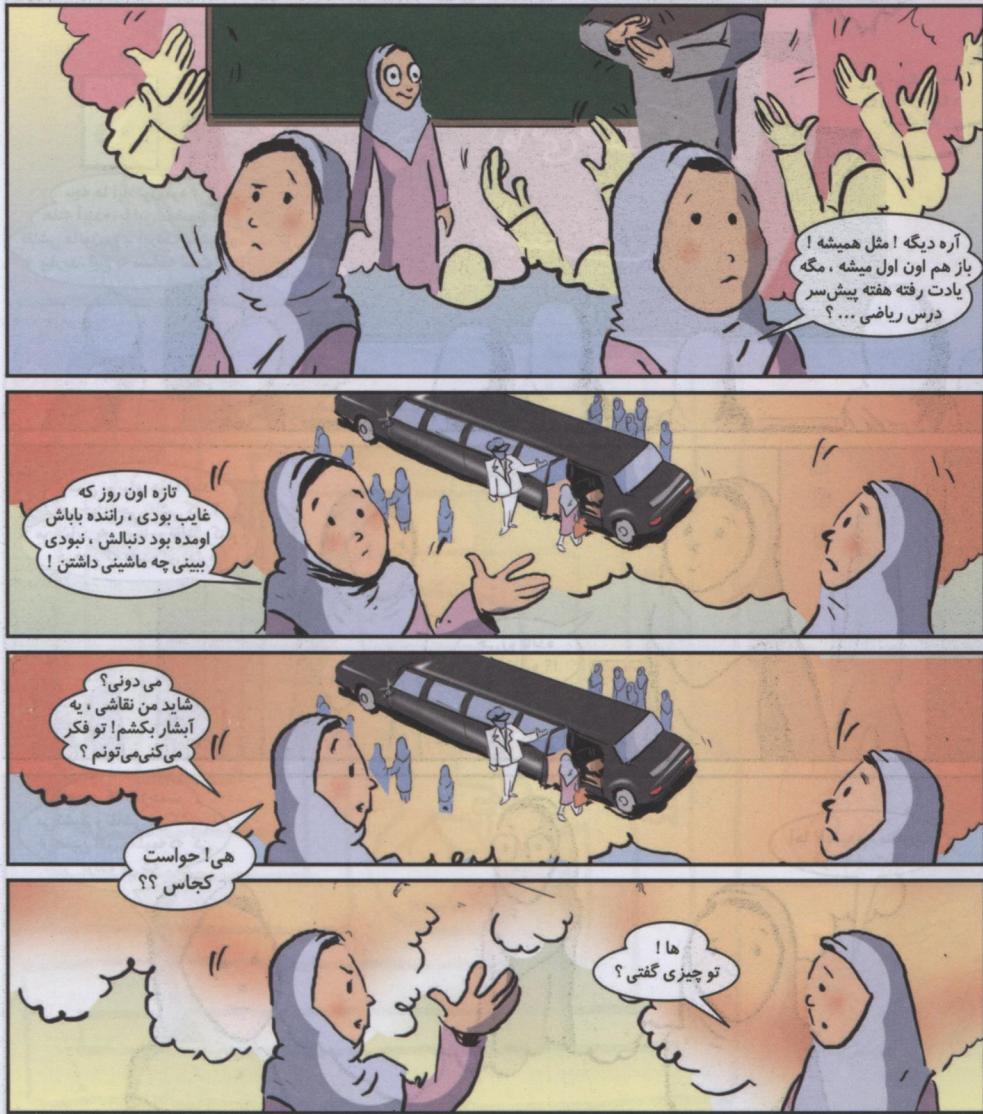
آنگاه با استخوان های محکم،
سنگ را شکل می دادند تا آن را
به شکل دلخواه خود درآورند.
کم





مجله • کتاب در مجله





در مجله • کتاب در مجله

شکار ماموت (فیل های غول پیکر)،
گوشتش و استخوان مورد نیاز بشر را در
اختیار او قرار می داد.





• کتاب در مجله • کتاب در مجله

روشن نگم خانم آتشین
و مراقبت از انسان از استخوان ماموت به همراه گل ،
در عصر سرینه زمستانی می ساخت .





ادame این داستان را در هفته آینده ذنبال کنید.

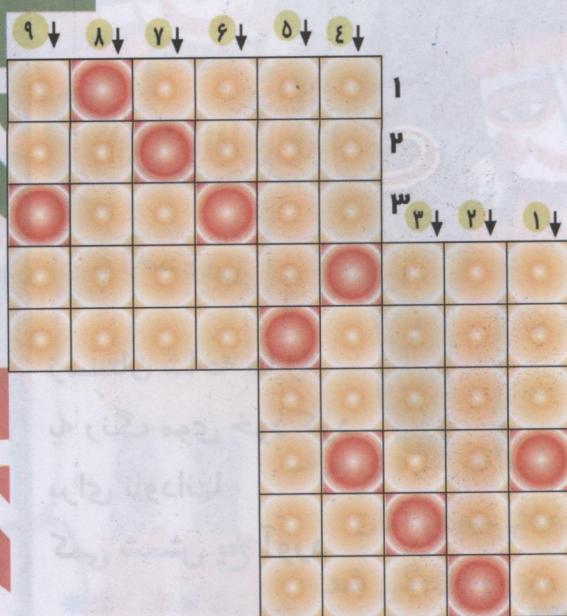
بر مجله • کتاب در مجله

تقسیم کار در عصر سنگ به صورتی
بود که مردان به کار شکار و تهیه اسلحه
می پرداختند.



جدول ۶۷ خانه ای

افقی



۱. شهر ساحلی که کنار دریا باشد را گویند.
۲. از شخصیت های بد جنس افسانه ها - وسیله‌ی طبیعی برای راه رفتن.
۳. مساوی - زهر.
۴. با آن کباب و جگر را روی زغال درست می‌کنند - خراب.
۵. مرکز این استان، «شیراز» است - بیهشت زیر پای اوست.
۶. وسیله‌ی ای که مطلب یا خبری را به اطلاع مردم می‌رساند، مانند تلویزیون، رادیو ...
۷. نام دیگر شبکه‌ی جهانی اینترنت.
۸. بار آن به سر منزل مقصود نمی‌رسد - دل آزار کهنه.
۹. در اطمینان و آرامش.

عمودی

۱. مسافت کردن و رفتن از شهری به شهر دیگر - محصول صابون!
۲. مرکز «کهکیلویه و بویر احمد».
۳. ویران و تباہ.
۴. در برابر خوبی است - طول عمر را با آن می‌سنند - رطوبت.
۵. زور و قدرت - ظرفی فلزی - چوبی یا سنگی که مواد را در آن می‌کوبند.
۶. عدد دوندها - دریاچه عرب.
۷. خانه.
۸. ماده‌ی دارویی نرمی که با داروهای مختلف، برای مالیدن روی زخم درست می‌کنند.
۹. ویتامین انعقاد خون - جنس مذکور.

پاسخ جدول شماره گذشته

۶	۶	۶	۶	۳
۱	۱	۱	۱	۱
۲	۱	۱	۱	۲
۳	۱	۱	۱	۱

۲	۴	۲	۴	۱
۴	۲	۴	۲	۴
۱	۱	۱	۱	۱
۲	۱	۱	۱	۲

جدول مربع های دو قلو



روشن نگه داشتن آتش
و مراقبت از آن وظیفه زنان
در عصر سنگ بود.

زمستان

اسدا... شعبانی

زمستان شاخه ها را
به رنگ موی خود کرد
برای ناودانها
کمی شمشیخ آورد



به هر جا، جای پا دید
از آنجا عکس برداشت
کلاغ پر سیاهی
به روی کاج من کاشت



• ٥ مثل Storm [توفان]:

گرد باد، تورنادو و هاریکان هر سه به
معنای توفان های چرخشی هستند که گاهی

به روی شانه‌ی کوه
قبای برفی انداخت
تمام چیزها را
به شکل دیگری ساخت



زمستانخوابها را
میان لانه خواباند
كمی لاا برای
زمستانخوابها خواند



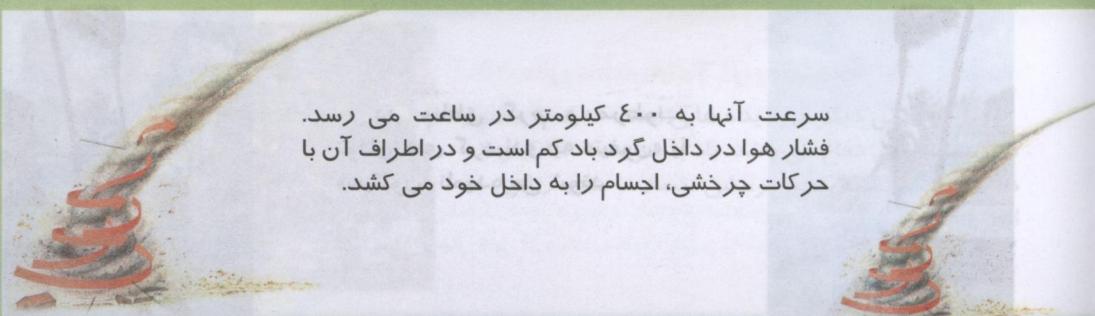
کشید از نقره‌ی برف
لحافی روی آنان
زمین و زندگی شد
به زیر برف پنهان



حیاط و کوچه را داد
به آدمهای برفی
صدا زد کودکان را
به این دنیای برفی



سرعت آنها به ۴۰۰ کیلومتر در ساعت می‌رسد.
فشار هوا در داخل گرد باد کم است و در اطراف آن با
حرکات چرخشی، اجسام را به داخل خود می‌کشد.





بازیکنان ضعیف خارجی



استراحت به جای بازی ملی!

وحید هاشمیان مهیاجم تیم ملی فوتبال کشورمان، چندی پیش بود که اعلام کرد: «وضعیت من در آلمان طوری است که باید در تمام تمرینات و مسابقات حضور داشته باشم و در فصل تعطیلات هم نیاز به استراحت دائم و نمی توانم تیم ملی را همراهی کنم!»

شاید حرفيهای هاشمیان که از بازیکنان بزرگ فوتبال ما است نشانه‌ی این باشد که تیم ملی آنچنان که باید و شاید ارج و قرب لازم را نزد تعدادی از بازیکنان ملی ندارد. آیا زمانی که علی دایی در هر تا برلین و بايرن مونیخ بازی می کرد و با هر وسیله‌ی ممکن حتی هواپیماهای حمل بار خود را به بازی‌های ملی می رساند، نیاز به استراحت نداشت؟ تیم ملی ارج و قرب زیادی دارد و جای بهانه تراشی نیست.

به نظر می رسد به خدمت گرفتن بازیکنان خارجی در یک تیم باشگاهی ایران به خرید هندوانه شbahت پیدا کرده است: با اینکه قبل از خرید بازیکن خارجی، نوار فیلم ها و بازی‌ها بازیکنان خارجی در اختیار باشگاهها گذاشته می شود با این حال بعضی تیم‌ها در خرید بازیکنان خارجی، گویا شانس ندارند یا با دقت این کار را نجات نمی دهند. مثلاً تیم استقلال، ۳ - ۴ سال است که بازیکن موثر و مناسب است. آخرین مورد، «سان جان اورس ویچ» بازیکن اهل مقدونیه بود که استقلالی‌ها با سر و صدا به خدمت گرفتن او را اعلام کردند، اما در اواخر نیم فصل گذشته در ۵ یا ۶ بازی شرکت داده نشد. سال های قبل هم وضع به همین صورت بود، فابی سیو، گومز، داسیلو، کوبی که و... هیچ‌کدام آنچنان که باید و شاید به درد تیم استقلال نخوردند.



در مناطق گرم و مرطوب، توفان‌های گرددبادی به «تیغون» یا «سیکلون» نامیده می شوند.



در انتخاب مرد سال فوتبال آسیا چه خبر است؟

یاسر القحطانی

امسال «یاسر القحطانی» از عربستان، مرد سال فوتبال آسیا شد در حالی که بسیاری از کارشناسان و علاقمندان فوتبال، شانس را به «نشاط اکرم» یا «یونس محمود» از عراق می دادند. در فوتبال جهان رسم بر این است که همیشه از تیم‌های قهرمان در آن سال، مرد سال فوتبال جهان یا اروپا انتخاب می شود. مثلاً سال گذشته «کاناوارو» به خاطر قهرمانی ایتالیا در جام جهانی به عنوان مرد سال فوتبال جهان انتخاب شد یا امسال «کاکا» به خاطر قهرمانی در جام باشگاههای اروپا به این مقام رسید. در آسیا هم براین منوال باید از تیم عراق، مرد سال فوتبال آسیا انتخاب می شد اما معلوم نیست با چه موازینی عربستانی ها به این مقام دست پیدا کردند. البته از نفوذ عربستان در AFC کسی نیست که خبر نداشته باشد!

نشاط اکرم



همه‌ی زندگی ام با فداست

«ریکاردو دوس سانتوس لته» که لقب «کاکا» دارد و چندی پیش برنده‌ی توپ طلای سال ۲۰۰۷ میلادی شد، ورزشکاری با اخلاق است که به خداوند اعتقاد خاصی دارد. او می گوید: خدا در تمام زندگی ام جای دارد و هر زمان که درخواستی از خدا داشتم، بیشتر از آن را برایم فراهم کرده. بعضی ها می گویند او در سفرش به شرق آسیا، مسلمان هم شده است اما مهیم این است که او خدا را در همه‌ی کارهایش حاضر و ناظر می داند.



مجله • کتاب در مجله



در هر حال گردیداد یکی دیگر از بدیده هایی است که انسان هنوز در برابر آن قبیل دفاع می باشد. باد با سرعت ۳۲۰ کیلومتر در ساعت و با حرکت چرخشی خسارات های زیادی به انسان وارد می کند.

شنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۰ | هفته‌نامه علمی تخصصی علوم زمین‌شناسی | ۲۹

پرونده‌ی یک بازیکن

کارلوس توز



کارلوس آبرتو توز در زمستان ۲۸ سال پیش در یک محله‌ی فقیرنشین آرژانتین به دنیا آمد. محله‌ی او به محله‌ی آپاچی‌ها معروف بود و امروزه لقب آپاچی که به توز می‌دهند به همین دلیل است. پدر توز، قناد بود و خود کارلوس هم فکر می‌کرد که قناد خواهد شد اما در اوقات بیکاری در زمین خاکی کنار خانه شان فوتبال بازی می‌کرد و جالب آنکه، خواهران و برادرانش را همه با خود همراه می‌کرد.

توز پس از علی‌دایی، دومین گلزن جهان است و در کنار «لیونل مسی» به عنوان جانشینان مازادونا شناخته می‌شود. او عقیده دارد که تا آخر عمر نباید فراموش کند که زمانی یک زاغه‌نشین فقیر بوده و به همین دلیل در فعالیت‌های خیرخواهانه برای فقرا شرکت می‌کند. او اینک در «منچستر یونایتد» بازی می‌کند. پیش از این نیز از بازیکنان شاخص تیم «وست هام یونایتد» بود.



• مثل [زیردریایی]: Submarine

شنوارهای دریایی که می‌توانند در زیر دریا هم به حرکت خود ادامه دهند. زیردریایی نام دارند. زیردریایی‌ها در فاصله‌ی دو جنگ جهانی اول و دوم رشد و تکامل پیدا کرده‌اند هرچند شروع ساختن زیردریایی به ۳۳۲ سال قبل از میلاد مسیح (ع) و به کشور لبنان بر می‌گردد.





مسابقه‌ی جدول موضوعی

ب	د	ا	گ	ن	ح
د	ر	ی	ا	م	ک
م	ف	ر	ی	س	و
س	ه	ا	ن	ت	ت
ت	ا	ق	ن	ه	ی
ی	ل	ر	ر	ل	ظ
ل	ب	ا	ز	ب	و
ب	ا	ف	ا	ف	ن
و	ت	ا	ب	ا	ن
ا	ب	و	ت	ه	ظ
ب	ر	م	م	ر	ر
ر	م	ی	ی	ا	ا
ی	خ	ش	ش	ع	م
ش	د	ا	ن	ت	ی

این جدول، هر هفته به موضوع خاصی می‌پردازد. کلمه‌های مربوط به آن موضوع برای شما نوشته می‌شود که شما باید حروف این کلمه‌ها را در جدول پیدا کنید. این حروف در جدول از راست به چپ یا چپ به راست، بالا به پایین و یا پایین به بالا قرار گرفته‌اند. شما باید دور این حروف خط بکشید. بعد از پیدا کردن همه‌ی حروف، از کنار هم قرار دادن حروف باقی مانده در جدول، البته به ترتیب، رمز جدول را پیدا کنید و برایمان بفرستید. فقط یادتان باشد حروف این کلمه‌ها (در جدول) ممکن است در یک یا چند حرف مشترک باشد.

پاسخ هایتان را تا دو هفته بعد از انتشار این شماره از مجله، برای ما بفرستید. یادتان باشد حتماً روی پاکت نامه بنویسید: «مربوط به مسابقه‌ی جدول موضوعی مجله‌ی ۳۲۱». حتماً نام و نام خانوادگی و نشانی پستی خود را به طور کامل و خوانا روی پاکت بنویسید.

موضوع این هفته: روزهای پُر خاطره - ۱

کلمه‌ها: حکومت نظامی - انقلاب - تظاهرات - همافران - پادگان - شعارنویسی - شهادت - فریاد.



در هر حال، زیردریایی‌ها دو گروه عمدۀ هستند. زیردریایی‌های گشتوی که برای جستجوی کشتی‌های غرق شده و انجام ماموریت‌های پژوهشی زیر دریا ساخته شده‌اند و زیردریایی‌های نظامی. انواعی از زیردریایی‌های نظامی به تجهیزات اتمی مجهز هستند و توانایی نابودی چند شیب‌بزرگ را از زیر دریا دارا می‌باشند.



کتاب «دزد یک چشم و شاه خل ها» عنوان مجموعه طنزهای کوتاهی است که به قلم «عباس قدیر محسنی» نویسنده‌ی خوب کودکان و نوجوانان، نوشته شده است. از این نویسنده گهگاه در مجله‌ی دوست قصه‌هایی با مایه‌های طنز چاپ کرده ایم. کتاب او شامل هفت قصه‌ی کوتاه طنز است که توسط انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی (سروش) چاپ و منتشر شده است. از این مجموعه، قصه‌ی «شاه خل ها» را انتخاب کرده ایم که با هم می‌خوانیم.

در مجله کتاب در مجله

- ۱- «پیرایین» برای مشاهده محیط خارج از آب به همراه آتن های مخباراتی
- ۲- برج زیر دریایی هنگامی قابل مشاهده است که زیردریایی به سطح آب می‌آید.
- ۳- موتورهای دیزلی - الکتریکی به صورتی ساخته شده اند که کمترین صدای ممکن را داشته باشند.



شاه خل‌ها

عباس فدیر محسنی



شاه خل‌ها نشست روی تخت و دستور داد تا همه
خل‌های روی زمین جمع شوند. خل‌ها یکی یکی از
راههای دور و نزدیک آمدند و به دستور شاه، دور
هم جمع شدند. خل‌ها وقتی همیگر را دیدند، خیلی
خوشحال شدند و حسابی شادمانی کردند.

وقتی شادمانی تمام شد. شاه خل‌ها دستور داد.
خل‌ها بلندترین طناب روی زمین را بیافند. خل‌ها
هم دست به کار شدند. شب و روز بافتند و باقتند و
بافتند تا بلندترین طناب را آماده کردند.

شاه خل‌ها به طناب نگاه کرد. آن را توی دستش
گرفت و کشید و سرش را تکان داد و گفت آن را به
شب بینندند و بکشنند. خل‌ها طناب را به شب بستند
و کشیدند. شب طولانی شد و طولانی شد و طولانی
شد و روز نیامد.

- ۴- پروانه زیردریایی
- ۵- اتاق کنترل زیردریایی
- ۶- محل استراحت خدمه زیردریایی. برخی زیردریایی‌ها تا ۱۵۰ نفر خدمه دارند.
- ۷- محل نگهداری از درهای زیردریایی
- ۸- بالهای کوچک زیردریایی معروف به هیدروپلان برای حرکت و تغییر جهت وسیله





آدمهای عاقل وقتی از خواب بیدار شدند و دیدند شب است. دوباره خوایندند. بچه ها گرسنه شده بودند، تشنه بودند و حوصله شان سر رفته بود. اما آدمهای عاقل به آنها می گفتند صبر کنید تا صبح شود.

خل ها می خنديند، جيغ می کشيدند، هياهو می کردند. شادي می کردند. و شب ها را می کشيدند. يك سال گذشت؛ دو سال گذشت؛ خل ها به خودشان سوزن می زندند تا خوابشان نبرد و بیدار بمانند.

آدمهای عاقل توی خواب پير می شدند، صورتاهاشان چروک می شد، موهاشان سفید می شد و منتظر روز بودند، اما روز نمی آمد. کم کم همه به تاريکی و خواب عادت کرده بودند. بچه ها ديگر گرسنه و تشنه نمی شدند، فقط می خوايندند. توی خواب هم فقط شب و تاريکی می ديدند. آدمهای عاقل می گفتند پاييان شبه سيء سپيد است و منتظر بودند صبح شود. آفتاب دربيايد، خروس بخواند و سحر شود، اما نمی شد.

شاه خل ها هم روی تخت می خنديند و خل ها را تشويق می کرد تا شب را باز هم بکشند و آن را ول نکنند. خل ها هم می کشيدند، با همه زور و توان و قدرت می کشيدند.

بالگردها و کشتی به سيستمی به نام «سونار» مجهز هستند که به وسیله آن می توانند وجود زيردریابی را در اعماق آب تشخيص دهند.

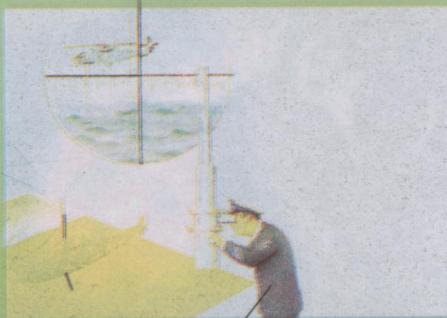


ده سال گذشت، صد سال گذشت، هزار سال گذشت و آدمهای عاقل توی خواب مردند. بچه های تازه به دنیا آمدند، بزرگ شدند، پدر شدند، مادر شدند. پدر بزرگ شدند. مادر بزرگ شدند و پیر شدند و روز نشد. دیگر همه به شب و تاریکی عادت کرده بودند.

اما طناب شب کم کم کفنه شد. زیر برف و باران مانده و پوسیده شده بود و شاه خل ها که حالا هزار و صد سال داشت، نگران طناب بود، نگران پاره شدن طناب شب که بالاخره هم پاره شد و شاه خل ها گفت: «چیزی که شد پاره، وصله برنمی داره».

بعد خورشید آمد، روز شد. همه جا روشن شد، اما هیچ کس از خواب بیدار نشد. فقط آدمهای عاقل بیدار شدند و با پرده دوباره اتاقها را تاریک کردند و خواهیدند. کله بچه ها را هم برداشت زیر لحاف تا چیزی جز تاریکی نبینند.

این کتاب ۶ قصه‌ی خواندنی دیگر هم دارد که می‌توانید آن را به بیهای ۷۰۰ تومان تهیه کنید و از خواندن آن لذت ببرید



ترکیب خورشید
زیردریایی هم با مشاهده بالگرد یا کشتی
از طریق پیرایین می‌تواند سیستم ضد سونار
خود را فعال کند.

بازی رایانه‌ای

زندگی پس از مرگ



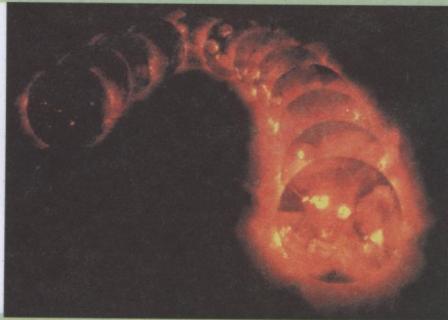
همواره زندگی پس از مرگ از موضوع‌های مورد توجه انسان بوده است. سازندگان بازی‌های رایانه‌ای هم با تکاه خود گاهی سعی کرده اند جهان پس از مرگ را در بعضی بازی‌های خود تصویر کنند. بازی Next life یا «زندگی دوم» یکی از این بازی‌ها است که توسط کمپانی «ادونچر» برای کودکان ۱۲ سال به بالا ساخته شده است. ماجراهای بازی به طور خلاصه از این قرار است که نقش اول داستان که «آدام» نام دارد در یک شب زمستانی در حالی که مشغول رانندگی است با تلفن همراه هم صحبت می‌کند و بر اثر بی‌احتیاطی با یک تانکر



در مجله • کتاب در مجله

• مثل Sun [خورشید]:

منبع همه‌ی انرژی‌های ما خورشید است و منبع انرژی خوشید نیز از واکنش‌های هسته‌ای ایجاد می‌شود. سه چهارم ماده‌ی تشکیل دهنده خورشید از هیدروژن و یک چهارم بقیه، هلیوم است. البته مقادیر ناچیزی از عناصر دیگر هم در

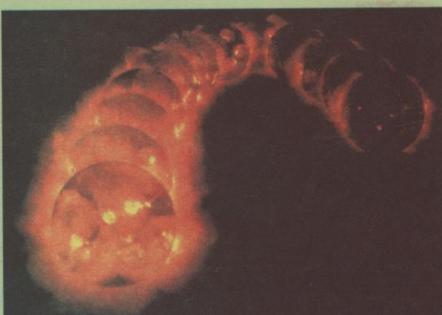




برخورد می کند و می میرد. پس از طی زمان نامشخص، آدام چشمان خود را باز می کند و خود را در یک جزیره زیبا می بیند. در این جزیره که با گرافیک زیبایی ساخته شده، افراد مختلفی زندگی می کنند که هریک در دوره‌ی خاصی از جهان

رفت بربسته اند. در این بازی، بازیکن باید پازل‌های سختی را با روش سعی و خطا حل کند و نقاطی را در جزیره پیدا کند و با منطق خاصی که باید آن را کشف کرد؛ معماهای آن را حل کند. البته تعداد معماها نسبت به وسعت جزیره و نقشه‌ای از جزیره که بازیکن می دهد، کم است.

این بازی چند معماهای اصلی دارد که حل کردن آنها در طول بازی مشروط به حل کردن معماهای فرعی است. به عبارت دیگر بازیکن برای عبور از یک مانع می تواند با چند روش مختلف به هدف برسد و این جذابیت بازی را زیادتر می کند. یکی از مشکلات بازی «زندگی دوم» زیاد بودن تعداد شخصیت‌های بازی است که اصلًا نقشی در پیشبرد بازی و حل معماهای آن ندارند و بیشتر وقت بازیکن را می گیرند. این بازی به رایانه‌ای با کارت گرافیکی ۱۲۸ مگابایت، رم ۵۱۲ و سی‌پی‌یو با ۲ گیگا بایت نیاز دارد.



ترکیب خورشید وجود دارد. واکنش‌های شیمیایی بین هیدروژن و هلیوم، عامل اصلی تولید نور و حرارت زیاد خورشید است.

خورشید، حدود ۵ هزار میلیون سال قبل از توده‌ای ابر عظیم که شامل مخلوطی از هیدروژن، هلیوم و ذرات دیگر بود تشکیل شد.



باید نقاشی کنیم

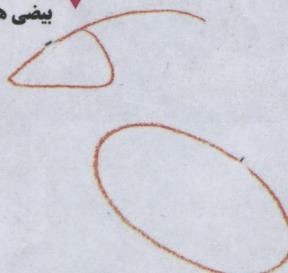
پاراسار ولوفوس

دایناسور «پاراسار ولوفوس» به دلیل شکل غیرعادی سریش در بین دایناسورها شناخته شده است. ابتدا دیرین شناسان فکر می کردند، زایده‌ی روی سر دایناسور، لوله تنفسی حیوان است اما بعدها معلوم شد که این زایده‌ی حدوداً دو متری در شناوی به کمک دایناسور می آید.

◀ ابتدا شکل سروزایده‌ی آتن مانند آن را با خطی ساده رسم می کنیم.
▶ بیضی هم به عنوان طرح اولیه بدن دایناسور نقاشی می کنیم.



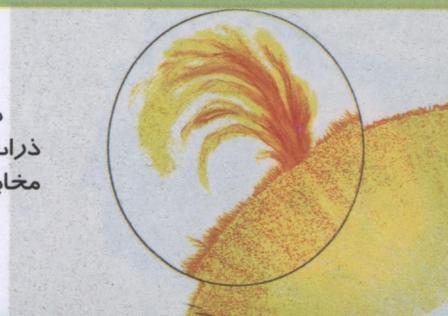
◀ محل قرارگیری دست و پای
▶ حیوان را رسم می کنیم.



◀ دم دایناسور را با
▶ دو خط منحنی شکل نقاشی می کنیم.

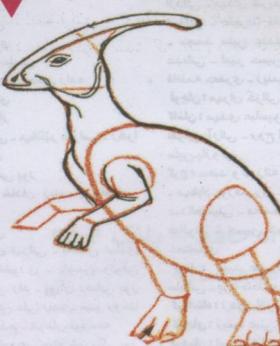


◀ گردن دایناسور را با کمک
▶ خط منحنی شکل نقاشی می کنیم.
با های حیوان را هم با خط هایی
ساده مشخص می کنیم.



شعله های خوزشیدی یا «کرونا» سبب رها شدن
ذرات پرانرژی در فضا می شود. این ذرات گاهی در
مخابرات زمین اختلال ایجاد می کنند.

خطوط اصلی را با روان
نویس نموده نازک سیاه و پررنگ
می کنیم. پنجه های دست و پاراهم
نقاشی می کنیم.



شروع به نقاشی گردن دست،
با و شکل سر می کنیم.



خطوط اضافه را پاک و
خط های اصلی را سیاه می کنیم.



دایناسور خود را با استفاده از
روش سایه - روشن رنگ آمیزی کنید.



تبره ای وجود دارد که گفته می شود
در بعضی نقاط خورشید، لکه های
به دلیل تغییرات میدان مغناطیسی بر
سطح این ستاره ظاهر می شوند.

من شود

تولدتان مبارک



تولدین بهمن ما:



عائد شهرستانی / از تهران

اسکندرزاده - پاسین رموی - امیر پرham

دهباین

ق: ایام قاسی - عرفان قاسی - سحر

اردانی - مهدی شریفی - زینب حبیبی - زینب

دیداری - علیرضا قاسی - زهره اشرافیان

عستانی - محمد حسین اکبری دهقان - سیده

فاطمه چغفری - زینب شعاعی

قوچان: مریم نصیری

کاشان: مهدی عباسپور - سارا کیانوش - معین

تقاویان آبان - روح الله پاسین راده - محمد

مینی پاروکی

گرج: سعید و فرزانه فتوحی - صدف سجادی

عبدالحسینی - محمد امین سیپی بور غزاله

غیلاند - حسن موسوی روبدار - مهدی

جشیدی

گرامان: سید علی هاشمی - میدا سقارازاده

ماهانی - پریا منظری توکلی

کیانی - مهران سعینی علی زاده - مینو روستا

- عرفان ملادراد مقدم - هومان نورسته

رسپخان: علیرضا ساجدی - میثم شیرینی بور

همت آبدار - هدیه رفیعی

روفسر: سیده زهرا کلکار

دوتفو: داشن عاشوری - یاسمین نمادی

کیا - رعناء سیجانی دار - پویان ضایی

لساکی - مهران سعینی علی زاده - مینو روستا

- عرفان ملادراد مقدم - هومان نورسته

کش: سید رضا امیری

کیمساران: محمد محمد رضایی

گرگان: محمد قدوسی - محمد بازید صالحی

- علی فروزن - باربد صالحی - میرنوشن

گزهانی: صبا خاقانی

گلپایگان: محمد امین غربوی

گلستان: امیر ابراهیمی - سید

محمد جعفری - متین چوبان زریجانی

گلدشت: علی خوئین

گوشه: راضیه رحیمی - اسماهی

گلزار: مهدیه زهرا حسینی

گند: امیر احمدی فر

گمشده: علیرضا ساجدی طاهری - آفرین

امیرزاده

منده: فاطمه بیاری فرد - صدف خزانه

داری - سیلیم تیغ زمره مشیدی - بوسا

میر تقی - محبوبه رزوندی - مریم حسینی

- امیر سین کریمی - امیر رضا عظیمی

پارسا - مهدیه ضابط - شیریار شمسی بور

- حسرا شترپی فرد - علیرضا ساجدی آیا

غامزادگان: فاطمه رفاقتی

نفیز: امیر حسین صالحی فرد

نوه: عرفان صفری

نهادیان: علیرضا قلی بور

پاسین: میرا صادیق مسیوند - بنام شیان راد

- یاسین پادامی

وامهن: هدرا رسات رضایی - نازنین نرگمن

زیاد: سید عصاد رضایی

بوزه: نسریه داردیان

پرورد: امیر احمدی فر

الدادات رضوانی نژاد

به طور متناوب شعله های

بلندی از گاز هیدروژن از

سطح خورشید به فضا بلند

می شود که ارتفاع آنها تا

هزار کیلومتر هم می رسد.

خورشید نسبت به زمین

مرتبه قطر بزرگتر دارد. فاصله

زمین تا خورشید نیز حدود

۱۵۰ میلیون کیلومتر است و نور

خورشید در زمانی حدود

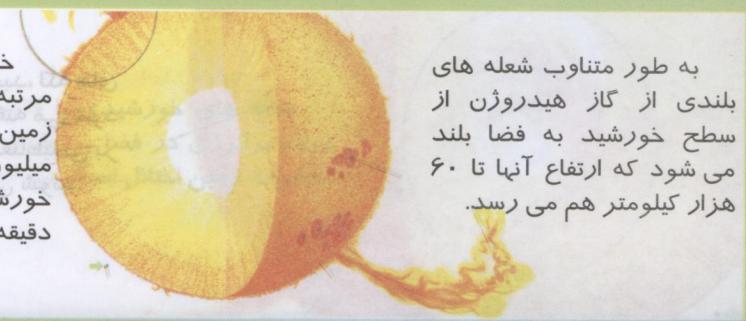
۸ دقیقه به زمین می رسد.

۱۰۹
خورشید نسبت به زمین
مرتبه قطر بزرگتر دارد. فاصله
زمین تا خورشید نیز حدود

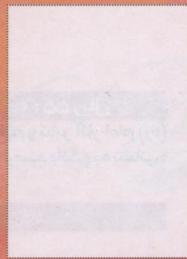
۸ میلیون کیلومتر است - نور

خورشید در زمانی حدود

۸ دقیقه به زمین می رسد.



نشر و نجاح



نشانی:

تهران - خیابان انقلاب اسلامی - چهار راه حافظ - پلاک ۲
امور مشترکان مجله هفتگی «دوست»

(دوست)

مجله • کتاب در مجله

۱۴۱

هنگامی که ماه در زاویه‌ی بین زمین و خورشید قرار گیرد، قسمتی از خورشید در تاریکی قرار می‌گیرد و ما نمی‌توانیم آن قسمت را ببینیم. به این پدیده «خورشید گرفتگی» گفته می‌شود. گاهی نیز زمین بین ماه و خورشید قرار می‌گیرد که به این پدیده «ماه گرفتگی» می‌گویند. هیچگاه نباید با چشم غیر مسلح به خورشید و پدیده‌ی خورشید گرفتگی نگاه کرد زیرا نور شدید خورشید سبب آسیب‌های شدید به شبکیه‌ی چشم می‌شود.



سوسن

بهای اشتراک تا پایان نیمه اول سال ۱۳۸۶

هر ماه ۴ شماره، با پیست عادی هر شماره ۲۷۵۰ ریال / با پیست سفارشی هر شماره ۵۵۰۰ ریال
مبلغ اشتراک را به حساب شماره ۵۲۵۰ پاکت صادرات میدان انتقال کد ۷۶ به نام موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) واریز کنید. (قابل پرداخت در کلیه شبکه بانک صادرات در سراسر کشور) فرم اشتراک را همراه با رسید بانکی به نشانی: تهران، چهارراه حافظ، پلاک ۹۶۲ امور مشترکان مجله «دوست» ارسال فرمانید.

قابل توجه مقاضیان خارج از کشور

بهای یک شماره از مجله هفتگی «دوست»:

بخاریانه (کشورهای همچو) ۵۰۰۰/۷ ریال • اروپا، آفریقا، ژاپن ۸۰۰۰ ریال • آمریکا، کانادا، استرالیا ۵۰۰/۹ ریال
بسنگان هر یک از افراد ساکن در خارج از کشور که در ایران سکونت دارد می توانند مبلغ فوق را به حساب اعلام شده واریز نمایند و سپس شانی فرد خارج از کشور را به امور مشترکان مجله دوست ارسال نمایند.

مشترکین محترم استان اصفهان می توانند مبلغ اشتراک خود را به شماره حساب ۱۰۰۱۱۸۷۵۰۱۰۰۰۰ قابل پرداخت در کلیه شبکه بانک مادرست
کشور واریز فرمایند. نشانی: اصفهان - خیابان شیخ یاهی - مقابل بیمارستان مهرگان - نمایندگی چاپ و نشر عروج - تلفن: ۳۳۶۴۵۷۱

واحد اشتراک مجله دوست آماده دریافت یشناهدات و انتقادات شما است.

فرم اشتراک:

نام خانوادگی::

تاریخ تولد: / / ۱۳۰۰ میزان تحصیلات:

نشانی:

کد پستی:

شروع اشتراک از شماره::

امضه:

انسان توانسته است با ساختن سلول های خورشیدی، انرژی خورشید را ذخیره و به شکل مورد نظر خود تبدیل کند. در سال ۱۹۸۷، خودروی خورشیدی که با انرژی خورشیدی کار می کرد و سرعت آن حدود ۶۷ کیلومتر در ساعت بود، ساخته شد.

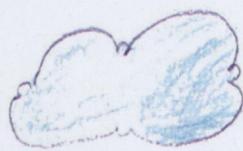
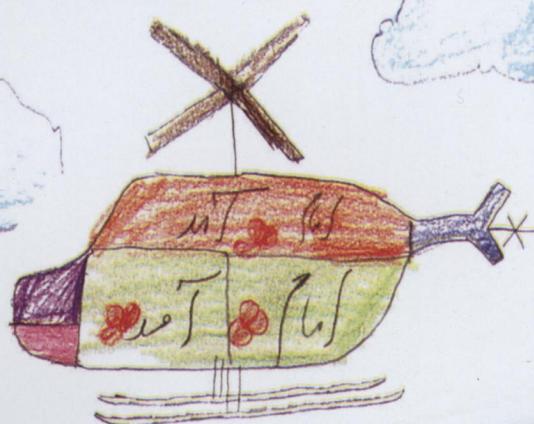


جعید حدیثی المزد

ارتیهورسکاپ رازان دیگر

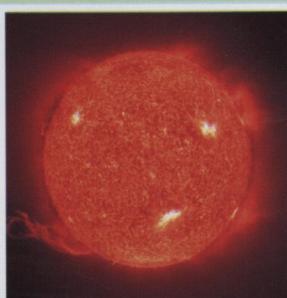
خالق با خاک از

بستان



در مجله کتاب در مجله

۱۴۳

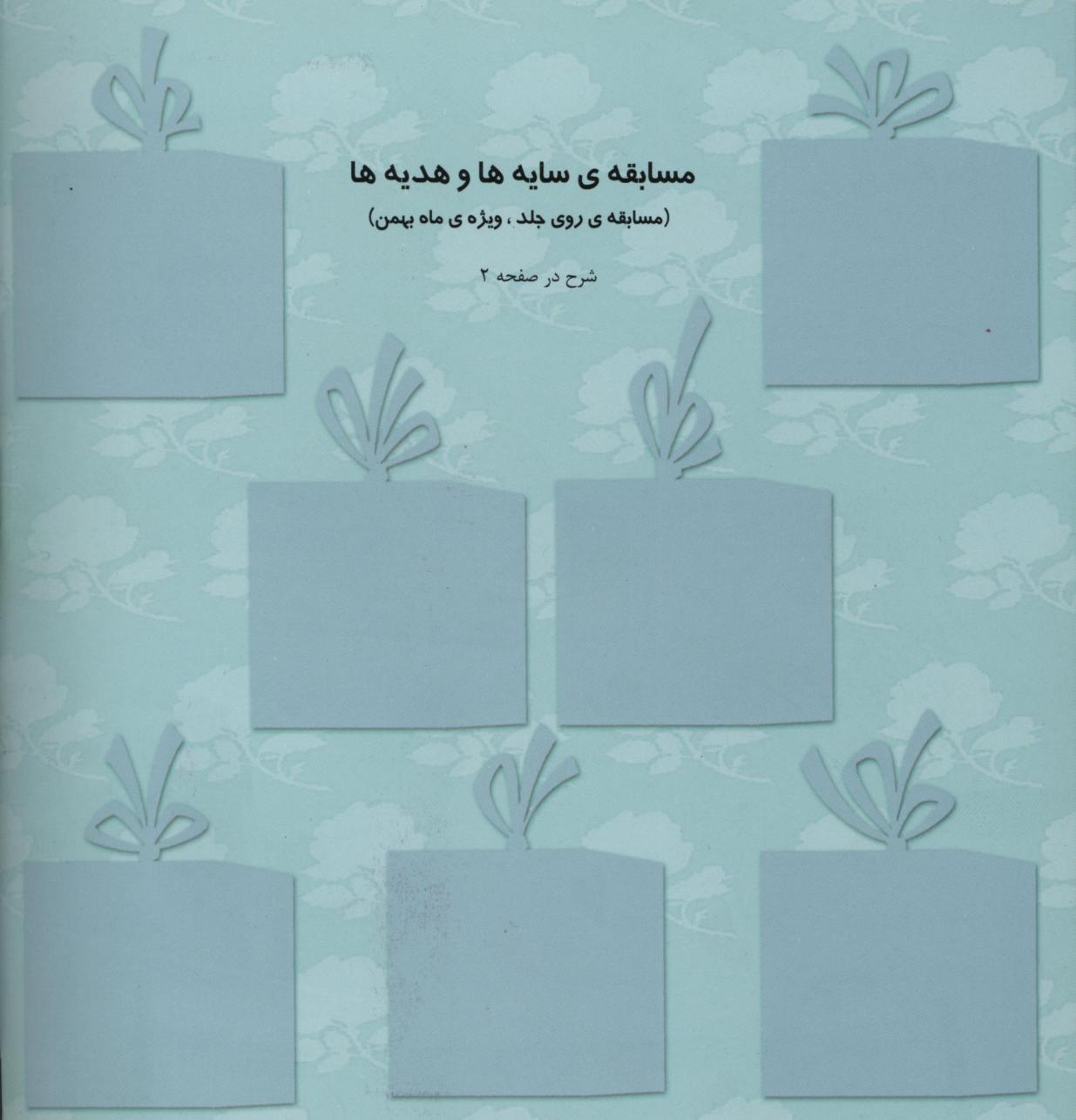


دهمای سطح خورشید حدود ۵۵۰۰ درجه ی
ساناتی گراد است اما در مرکز آن، دما به ۱۵ میلیون
درجه ی ساناتی گراد می رسد.

مسابقه‌ی سایه‌ها و هدیه‌ها

(مسابقه‌ی روی جلد، ویژه‌ی ماه بهمن)

شرح در صفحه ۲



فرهنگنامه تصویری کودکان فرهنگنامه تصویری کودکان فرهنگنامه تصویری کودکان فرهنگنامه تصویری کودکان فرهنگنامه

